

وام ۲میلیاردی مسکن

وام جدید دو میلیارد تومانی که اخیرا به تصویب بانک مرکزی رسید، با توجه به گرانی های اخیر مسکن، هزینه های خرید برگه های اوراق و نرخ سود بعید است اثر چندانی بر افزایش توان خانه اولی ها و رونق بازار مسکن داشته باشد؛ با توجه به گرانی های اخیر مسکن ، سقف این وام تنها کفاف خرید حدود ۱۰ متر خانه در پایتخت را می دهد.

به گزارش ایسنا، وام جدید خرید مسکن از محل اوراق گواهی حق تقدم (تسه) با رشد ۱۰۰ درصد نسبت به قبل به سقف دو میلیارد تومان (زوجین) و یک میلیارد تومان (انفرادی) افزایش پیدا کرد. روز گذشته هیات عالی بانک مرکزی با افزایش سقف تسهیلات پرداختی از محل اوراق گواهی حق تقدم برای ساخت و خرید واحد مسکونی، ودیعه و جعاله موافقت کرد.

بر این اساس تسهیلات خرید و ساخت مسکن از محل اوراق گواهی حق تقدم (تسه) در شهر تهران در حالت انفرادی یک میلیارد تومان و برای زوجین دو میلیارد تومان شد. در مراکز استان و شهرهای بیش از ۲۰۰ هزار نفر نیز سقف این تسهیلات در حالت انفرادی ۸۰۰ میلیون و برای زوجین ۱.۶ میلیارد تومان شد. در سایر مناطق نیز این وام به ترتیب ۶۰۰ میلیون و ۱۰۲ میلیارد تومان تعیین شده است. هم چنین سقف تسهیلات تعمیر (جعاله) واحد مسکونی از محل اوراق گواهی حق تقدم از ۲۸۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یافت.

سقف تسهیلات ودیعه مسکن نیز از محل اوراق گواهی حق تقدم از ۳۰۰ میلیون تومان به ۴۰۰ میلیون تومان در شهر تهران، از ۲۲۵ میلیون تومان به ۳۰۰ میلیون تومان در مراکز استان ها و شهرهای بالای ۲۰۰ هزار نفر جمعیت و از ۱۵۰ میلیون تومان به ۲۰۰ میلیون تومان در سایر مناطق افزایش پیدا کرد.

افزایش قیمت مسکن

این در حالی است که با افزایش ناگهانی قیمت مسکن در سال جاری قدرت پوشش دهی و وام اوراق به پایین ترین سطح خود رسیده است. بر اساس برخی برآوردها در حال حاضر میانگین قیمت هر متر مسکن در تهران به حدود ۲۰۰ میلیون تومان رسیده که نشان می دهد سقف تسهیلات مسکن از محل خرید اوراق در شهر تهران، تنها تا کفای خرید حدود ۱۰ متر خانه را می دهد؛ اگرچه تا پیش از گرانی های اخیر مسکن نیز وام اوراق تاثیر چندانی در افزایش قدرت خرید متقاضیان نداشت.

نکته اصلی اینجاست که خریدار نهایی، برای دریافت این مبلغ باید بخش قابل توجهی از آن را صرف خرید «اوراق حق تقدم» کند؛ اوراقی که قیمت آن ها همواره دستخوش نوسانات بازار بوده و عملاً بخشی از مبلغ اسمی وام را پیش از رسیدن به دست متقاضی، از بین می برد. این مسئله در کنار نرخ سود بالای بازپرداخت و اقساط سنگین ماهانه، باعث شده تا استقبال از این تسهیلات در میان دهک های هدف که بیشترین نیاز به مسکن دارند، به حداقل برسد.

متقاضیان برای دریافت وام باید برگه های اوراق تهیه کنند که برگ آن امتیاز دریافت ۵۰۰ هزار تومان وام است. یعنی متقاضی برای دریافت وام یک میلیارد تومانی باید ۲۰۰۰ برگه اوراق تهیه کند که در حال حاضر قیمت آن حدود ۹۰ هزار تومان است. در واقع هزینه دریافت وام یک میلیارد تومانی ۱۸۰ میلیون تومان است.

توان بازپرداخت خانوار

در واقع، افزایش سقف وام بدون در نظر گرفتن «توان بازپرداخت خانوار» و «شکاف عمیق قیمت مسکن و قدرت خرید»، تنها به افزایش فشار بر دوش وام گیرنده می انجامد و نمی تواند رونق واقعی در بازار مسکن ایجاد کند؛ رونقی که در نبود تولید انبوه و کاهش هزینه های ساخت، همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. در همین رابطه، حسن محمثن، کارشناس بازار مسکن، به ایسنا گفت: افزایش سقف وام مسکن بدون کاهش نرخ سود و کنترل تورم بخش مصالح، عملاً نتیجه ی چندانی در تقویت توان متقاضیان مصرف ندارد. وی افزود: وام دو میلیاردی با نرخ بهره کنونی که حدود ۲۲.۵ درصد است فشار اقساطی سنگینی بر خانوار وارد می کند که برای دهک های پایین و متوسط غیرقابل تحمل است. ما با سیاستی روبرو هستیم که به جای حل مسئله تولید ییو ساماندهی مسکن استیجاری، صرفاً با اعداد بازی می کند. این وام، نه قدرت خرید ایجاد می کند و نه تقاضای موثری به بازار تزریق می کند؛ تنها خروجی آن، افزایش درآمدهای کارمندی برای شبکه بانکی و بازار اوراق است. بنابراین گزارش، کارشناس معتقدند تا زمانی که شرایط کلان اقتصادی و سیاست های عرضه مسکن از جمله فعال سازی بافت های فرسوده و طرح های حمایتی نظیر نهضت ملی مسکن به ثبات نرسد، این گونه تسهیلات تنها به مسکن های موقت می مانند که اثرات تورمی آن ها بر بازار، بیش از انتفاع مردم عادی خواهد بود. بازار مسکن امروز بیش از آنکه به وام های گران قیمت نیاز داشته باشد، به تولید ارز و کاهش ریسک های سرمایه گذاری محتاج است.

جلس، کلیات لایحه اصلاح مالیات های مستقیم بررسی و تصویب شد. به موجب این لایحه، مقرر گشت که برای مجموع درآمدها در قانون تجمیع مالیات بردارمدها مالیات لحاظ شود. رویکردی که پیش از این نیز در سالهای گذشته مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود اما به دلایل اشکالاتی که به آن وارد بود عملیاتی نگردید. موازی بودن دریافت مالیات از این محل، فقدان بانک اطلاعاتی و زیرساختها و در نهایت عدم امکان اجرای عدالت مالیاتی از جمله چالشهای این طرح اعلام شده بود. برخی از کارشناسان معتقدند چنانچه این طرح با حضور کارشناسان و نظارت به صورت کامل و جامع و بهبود زیرساخت ها اجرایی نشود، باز هم با مشکلاتی در اجرای عادلانه آن روبه رو خواهیم بود.

شرط موفق اجرا

سیاوش غیبی پور کارشناس مالیاتی در این باره به «آرمان ملی» گفت: هرچند ممکن است با اجرای این طرح تغییری در ظاهر رقم مالیات به طور چشمگیری رخ ندهد، اما از نظر ساختاری و نظارتی، یک تحول مهم در نحوه شناسایی درآمد و اخذ مالیات محسوب می شود. البته این ماده، بنا بر توضیحات ارائه شده، پیش تر نیز در قانون وجود داشته اما با تغییرات قانون مالیات ها و دگرگونی ساختارهای اجرایی، برای مدتی از چرخه اجرا خارج شده و اکنون دوباره بحث احیای آن مطرح شده است؛ موضوعی که به ویژه با تقویت زیرساخت های اطلاعاتی و بانکی کشور، بار دیگر در دستور کار قرار گرفته است. او افزود: از آنجایی که شخص حقیقی در طول سال می تواند از منابع گوناگونی درآمد داشته باشد؛ از جمله فعالیت های شغلی و کسب و کار، حقوق و دستمزد، درآمدهای حاصل از فروش، سود سپرده، درآمدهای بورسی و سایر منابع که بخشی از آنها معاف و بخشی دیگر مشمول مالیات هستند، در حقیقت منطق طرح جدید آن است که این منابع ابتدا جمع شود و سپس معافیت های قانونی، از جمله معافیت های موضوع ماده ۱۰۱، از آن کسر شود؛ به این معنا که شهروند در پایان سال، نه بر اساس هر منبع به صورت جداگانه، بلکه بر مبنای مجموع درآمد مشمول مالیات ارزیابی شود. در نمونه ای که در این گفت وگو به آن اشاره شد، معافیت سالانه برای اظهارنامه های ۱۴۴۴ حدود ۲۰۰ میلیون تومان عنوان شد و گفته شد که این معافیت باید از منابع غیرمعاف هر فرد کسر شود تا پایه مالیاتی

نهایی مشخص شود.

تغییرات طرح جدید مالیاتی

او با اشاره به اینکه، بیش از آنکه ماهیت درآمدهای مالیاتی را دگرگون کند، یک تغییر شکلی و ساختاری در نظام مالیات ستانی درآمدهای مالیاتی را دگرگون کند، یک تغییر چرخه اجرا خارج شده و اکنون دوباره بحث احیای آن مطرح شده است؛ موضوعی که به ویژه با تقویت زیرساخت های اطلاعاتی و بانکی کشور، بار دیگر در دستور کار قرار گرفته است. او افزود: از آنجایی که شخص حقیقی درآمدش در طول سال می تواند از منابع گوناگونی افزایش فوری و نمایشی درآمد مالیاتی، بلکه ایجاد شفافیت، یکپارچگی و الزام عمومی به اظهار درآمد است. همین الزام عمومی به اظهارنامه، حتی اگر در کوتاه مدت رقم مالیات وصولی را به طور محسوسی تغییر ندهد، در بلندمدت می تواند رفتار مالیاتی شهروندان و ساختار نظارت دولت را متحول کند.

شرط اجرای عدالت مالیاتی

غیبی پور درباره آماده بودن زیرساخت ها برای اجرای عادلانه این طرح گفت: زیرساخت های اجرایی و آمادگی سازمان امور مالیاتی به عنوان یکی از شروط موفقیت این سیاست مورد تأکید است. در گذشته، یکی از موانع اصلی اجرای چنین سازوکاری، نبود زیرساخت های کامل اطلاعاتی بود؛ اما اکنون شرایط نسبت به قبل بهتر شده است.

«آرمان ملی» سایه روشن طرح جدید مالیاتی را بررسی می کند

عیار مالیات از تجمیع درآمدها



نهایی مشخص شود.

تحقق کامل این طرح به دو عامل کلیدی وابسته است: نخست، آمادگی مأموران و بدنه اجرایی سازمان مالیاتی که هم اکنون نیز تکالیف متعدد و پیچیده ای بر عهده دارند؛ و همچنین هماهنگی کامل میان اسناد، اطلاعات و مؤدیان با اداره مالیات. اگر این هماهنگی شکل نگیرد، حتی قانونی که از نظر نظری درست طراحی شده باشد، در عمل با چالش های جدی مواجه خواهد شد و نمی تواند به اهداف خود برسد.

تکلیف مالیات های موازی

او در پاسخ به این سوال که ایجاد «مالیات های موازی» از جمله موارد مورد بحث این طرح در گذشته بوده است گفت: نگرانی که در برخی مدل های تجمیع درآمد وجود دارد، به ویژه زمانی که بانک اطلاعاتی شفاف و کامل در دسترس نباشد. با این حال، در حال حاضر کار شناسایی درآمدها امروز از دو مسیر اصلی انجام می شود. از یک سو بانک ها، خودپردازها، کارتخوان ها و تراکنش های مالی، و از سوی دیگر معاملات و تبادلات اقتصادی و به این ترتیب، اگر فردی چند حساب بانکی یا چند مسیر درآمدی داشته باشد، امکان شناسایی درآمد او از منابع مختلف وجود دارد و نگرانی درباره پنهان ماندن کامل گردش مالی تا حد زیادی کاهش یافته است. بر همین

اساس، تمام حساب ها عملاً در دسترس و تحت کنترل سازمان امور مالیاتی قرار دارند و این ظرفیت می تواند اجرای طرح را ممکن تر کند.

تأکید بر خوداظهاری

او تأکید کرد: تجمیع درآمد به معنای یکی کردن همه انواع مالیات ها نیست. مالیات بر درآمد با مالیات بر دارایی ماهیت متفاوتی دارد و با مالیات هایی مانند مالیات اجاره یا سایر مالیات های دارایی نباید خلط شود. منظور از جمع درآمد، بیشتر تجمیع درآمدهای مرتبط با فعالیت های اقتصادی و شغلی است. البته مبنای نظام مالیاتی در بسیاری از کشورها، اظهار و ابراز درآمد از سوی خود مؤدی است و ابزارهای نظارتی صرفاً برای راستی آزمایی و کشف مغایرت ها به کار می روند. او اضافه کرد: بر این اساس، اصل ماجرا آن است که قانون مالیات ها در چنین مدلی بر پایه «ابراز» بنا می شود؛ یعنی فرد باید درآمد واقعی خود را اعلام کند و سپس سازمان مالیاتی با ابزارهای اطلاعاتی و تحلیلی، صحت آن را بررسی کند. در این نگاه، تراکنش های بانکی، خرید و فروش ها، گردش حساب و حتی عملیات ارزی، ابزارهای کمکی برای تشخیص هستند، نه جایگزین اصل اظهارنامه. به بیان دیگر، نظام مالیاتی مطلوب، سیستمی است که در آن مؤدی نخست خود را مکلف به شفاف سازی بداند و دولت نیز با تکیه بر داده های موجود، امکان کنترل و مقابله با فرار مالیاتی را داشته باشد.

رعایت انصاف در اجرا

این گزارش حاکی است؛ بحث احیای ماده مربوط به تجمیع درآمد اشخاص حقیقی، بیش از آنکه صرفاً یک تغییر در شیوه دریافت مالیات باشد، نشانه ای از تلاش برای بازطراحی رابطه دولت و مؤدی در ایران است. اگر این طرح با زیرساخت اطلاعاتی کافی، آمادگی اجرایی، هماهنگی نهادی و تعریف دقیق معافیت ها همراه شود، می تواند به شفاف تر شدن نظام مالیاتی و کاهش امکان پنهان کاری منجر شود. اما اگر هماهنگی میان داده ها، اسناد و دستگاه های اجرایی به درستی شکل نگیرد، حتی قانون مناسب نیز ممکن است در مرحله اجرا با شکست مواجه شود. به همین دلیل، موفقیت این سیاست در گرو آن است که هم دولت و هم مؤدیان، به یک زبان مشترک اطلاعاتی و حقوقی برسند؛ زانی که محور آن اظهار شفاف درآمد، شناسایی دقیق منابع و اعمال منصفانه معافیت ها و جرایم باشد.

گزارش

مهار تورم نیازمند اصلاح بودجه

مدیریت اقتصاد در شرایط جنگ، بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیم های سریع، هفمند و مبتنی بر اولویت بندی منابع است؛ در چنین شرایطی، تأمین مستمر کالاهای اساسی، کنترل تورم، اصلاح ساختار بودجه و مدیریت بازار ارز به مهم ترین دغدغه های سیاست گذاران اقتصادی تبدیل می شود. اگرچه حفظ جریان عرضه کالاهای می تواند از بروز کمبود در بازار جلوگیری کند، اما افزایش شدید قیمت ها و کاهش قدرت خرید خانوارها همچنان یکی از مهم ترین چالش های اقتصاد به شمار می رود.

از سوی دیگر، برخی کارشناسان معتقدند در دوران جنگ، تمرکز بر اصلاح ساختار بودجه، استفاده بهینه از ظرفیت واحدهای تولیدی موجود و مدیریت متمرکز منابع ارزی، نسبت به اجرای سیاست هایی مانند آزادسازی کامل بازار ارز یا توسعه سرمایه گذاری های جدید، اولویت بیشتری دارد. سهراب دل انگیزان، کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه رازی در گفت وگو با ایرنا درباره ارزیابی عملکرد دولت چهاردهم در مدیریت بحران های اقتصادی گفت: دولت در دوره جنگ ۱۲ روزه و همچنین در ادامه شرایط جنگی، در زمینه تأمین کالاهای اساسی و حفظ موجودی بازار عملکرد قابل قبولی داشت و توانست از بروز کمبود گسترده کالاهای مورد نیاز مردم جلوگیری کند.

وی با بیان اینکه با وجود موفقیت در تأمین کالا، دولت در کنترل قیمت ها عملکرد مورد انتظار را نداشته است، افزود: همه فروشگاه ها از نظر موجودی کالاهای اساسی وضعیت مناسبی دارند، اما نوع دیگری از محدودیت برای مردم ایجاد شده که همان گرانی شدید و کاهش قدرت خرید است.

وی با یادآوری نرخ بالای تورم مواد خوراکی در خرده ماه امسال اظهار داشت: این موضوع نشان می دهد هرچند عرضه کالاهای با مشکل جدی مواجه نشده، اما نیازمند مدیریت بازار هستیم تا کالا با قیمت منطقی به دست مصرف کننده برسد.

دل انگیزان درباره مقایسه عملکرد دولت چهاردهم با دولت های گذشته گفت: باید توجه داشت که دولت های پیشین با شرایط جنگی مشابه روبه رو نبودند، بنابراین، مقایسه مستقیم آن ها با دولت چهاردهم منصفانه نیست.

ردیف های غیرمولد بودجه

این تحلیلگر اقتصادی یکی از مهم ترین اقدامات برای کنترل تورم در شرایط کنونی را اصلاح ساختار بودجه دانست و توضیح داد: دولت باید با شجاعت، هزینه ها و ردیف های بودجه ای غیرمولد را حذف یا محدود کرده و منابع را به سمت بخش هایی هدایت کند که کالاهای عمومی و خدمات اساسی مانند آموزش، بهداشت، امنیت و دفاع را تولید می کنند.

استاد دانشگاه رازی بر ضرورت حذف برخی ردیف های بودجه ای که در شرایط جنگی ضرورت کمتری دارند یا ارزش افزوده ای برای اقتصاد و جامعه ایجاد نمی کنند، تأکید کرد و اظهار داشت: شرایط کنونی بهترین فرصت برای اصلاح ساختار بودجه است و تا زمانی که اصلاح بودجه به شکل جدی انجام نشود، کنترل پایدار تورم نیز امکان پذیر نخواهد بود.

دل انگیزان خاطر نشان کرد: بخش مهمی از مهار تورم را وابسته به اصلاح سیاست های مالی و بودجه ای است که باید در دستور کار قرار گیرد.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا عملکرد دولت در مجموع قابل قبول بوده است، توضیح داد: عملکرد دولت دو بعد متفاوت دارد. از یک سو، کالاهای اساسی در بازار موجود است و از این منظر کمبود گسترده ای مشاهده نمی شود، اما از سوی دیگر، قیمت های بالا موجب شده بخش بزرگی از کارگران، کارمندان و اقشار کم درآمد عملاً توان خرید این کالاهای را از دست بدهند.

سیاست های ارزی

این کارشناس اقتصادی درباره سیاست تک نرخی شدن ارز نیز گفت: در شرایط جنگی، اولویت اصلی اقتصاد نباید حرکت به سمت آزادسازی کامل بازار را یا تک نرخی شدن آن باشد. در اقتصاد ایران، عمده منابع ارزی از محل صادرات نفت، پتروشیمی، فولاد، صنایع بزرگ و شرکت هایی تأمین می شود که به نوعی وابسته به دولت یا نهاد های عمومی هستند. در چنین شرایطی، نمی توان از وجود یک بازار آزاد واقعی برای ارز سخن گفت.

دل انگیزان ادامه داد: زمانی می توان از بازار واقعی ارز صحبت کرد که عرضه کنندگان و متقاضیان متنوعی در بازار حضور داشته باشند؛ در شرایط فعلی، بخش عمده ارز کشور در اختیار دولت و بانک مرکزی قرار دارد و ارز از طریق سازوکارهای توزیعی میان متقاضیان تخصیص داده می شود. بنابراین، آنچه امروز وجود دارد، بیشتر یک نظام توزیع ارز است تا یک بازار رقابتی؛ به همین دلیل، مفهوم بازار آزاد در اقتصاد ایران، به ویژه در شرایط جنگی، چندان موضوعیت ندارد.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: تمام این دیدگاه ها مربوط به شرایط جنگی است و نباید آن را به وضعیت عادی اقتصاد تعمیم داد. در شرایط جنگ، حرکت به سمت آزادسازی کامل بازار از می تواند اقتصاد را در معرض نوسان های شدید قرار دهد و ثبات بازار را با مخاطره مواجه کند. در چنین وضعیتی، دولت باید با مداخله فعال، مدیریت منابع ارزی، بازگرداندن ارزهای صادراتی و تأمین نیازهای اساسی کشور، از ایجاد اختلال در اقتصاد جلوگیری کند.

وی درباره سیاست های سرمایه گذاری نیز اظهار داشت: در شرایط جنگی، اولویت اقتصاد ایران جذب سرمایه گذاری جدید نیست، بلکه باید ظرفیت های موجود را حفظ و فعال کرد. در کشور تعداد زیادی واحد تولیدی وجود دارد که مجوز بهره برداری دریافت کرده اند اما اکنون غیرفعال هستند. به جای آنکه منابع محدود صرف احداث کارخانه های جدید شود، باید موانع فعالیت همین واحدهای موجود برطرف شود تا دوباره وارد چرخه تولید شوند.

این کارشناس اقتصادی در پایان خاطر نشان کرد: برآوردها نشان می دهد بیش از ۸۵ تا ۹۰ هزار واحد تولیدی دارای مجوز در کشور وجود دارد، اما تنها حدود ۵۰ هزار واحد با کمتر از آن فعال هستند. بنابراین ظرفیت بزرگی برای افزایش تولید از طریق احیای کارخانه های نیمه فعال یا تعطیل وجود دارد و دولت باید تمرکز خود را بر فعال سازی همین ظرفیت ها قرار دهد.

شاخص کل سبز شد

نبرد فروشندگان و خریداران در بورس

گفت وگو با ایسنا، اظهار کرد: بازار امروز من را یاد شرایط بازارها پس از سال ۱۳۹۷ انداخت؛ زمانی که بعد از خروج ترامپ از برجام، بازارها در ایران با نوعی بلاتکلیفی مواجه شدند.

وی افزود: در ماه های اولیه پس از خروج آمریکا از برجام، شاید دلار کمی زودتر واکنش نشان داد، اما سایر بازارها عملاً در وضعیت بلاتکلیفی قرار داشتند تا مشخص شود تصمیمات و تحولات بعدی به کدام سمت خواهد رفت. این کارشناس بازار سرمایه با بیان اینکه شرایط فعلی بازار نیز مشابه همین وضعیت است، گفت: اتفاقی که امروز در بازارها شاهد آن هستیم، همین حس بلاتکلیفی است. بازارها یک مقدار تکلیف خود را نمی دانند و مشخص نیست باید چه تصمیمی بگیرند و چگونه عمل کنند.

الیاس کردی ادامه داد: به نظر می رسد پس از مدتی که این وضعیت بلاتکلیفی ادامه داشته باشد، بازارها شروع به

صادرات ایران به قطر به روال عادی بازگشت



حمله قطر متوقف شد. گمرک الرویس قطر که یکی از مبادی ورود کالاهای صادراتی ایران به این کشور است نیز در این دوره فعالیت نداشت. رئیس اتاق مشترک ایران و قطر با اشاره به تغییر شرایط طی یک ماه گذشته افزود: با توجه به روابط سیاسی مناسب میان دو دولت و ریزینی های انجام شده، گمرک الرویس قطر مجدد فعالیت خود را آغاز کرده و اکنون صادرات

رئیس اتاق مشترک ایران و قطر از ازسرگیری صادرات به قطر پس از محدودیت های ایجاد شده در جریان جنگ خبر داد و گفت: فعالیت گمرک الرویس قطر مجدداً آغاز شده است. به گزارش اتاق بازرگانی ایران، ازسرگیری فعالیت های دریایی و لجستیکی در خلیج فارس و دریای عمان، مسیر صادرات ایران به قطر را پس از محدودیت های ناشی از جنگ دوباره فعال کرده است. با بازگشایی گمرک الرویس قطر، صادرات از بوشهر و هرمزگان از سر گرفته شده و فعالان اقتصادی از بازگشت مبادلات به روال پیشین خبر می دهند. براساس این گزارش، خورشید گردرازی رئیس اتاق مشترک ایران و قطر در گفتگویی بااشاره به تأثیر شرایط جنگی بر تجارت دو کشور گفت: هم زمان با شرایطی که در ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس ایجاد شد، فعالیت های لجستیکی، دریایی و دریانوردی در خلیج فارس و دریای عمان نیز با محدودیت مواجه شد. وی ادامه داد: این شرایط بر بازارهای هدف صادراتی ایران در کشورهای حوزه خلیج فارس اثر گذاشت و صادرات به این کشورها، از